

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۲، پیاپی شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۶۵ تا ۲۸۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۵، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱/۲۴

نشانه‌شناسی مفهوم عشق در منظومه ویس و رامین بر اساس نظریه

رمزگان دانیل چندلر

سعیده فرامرزی فرد^۱، دکتر سیاوش مرادی^۲، دکتر هادی خدیور^۳



چکیده

کتاب ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی از جمله منظومه‌های عاشقانه ماندگار در ادب پارسی است. این کتاب روایت عشق ممنوعه ویس بر برادر همسر خود رامین و البته احساس عاشقانه متقابل رامین به اوست. فخرالدین اسعد گرگانی یک داستان قدیمی پهلوی را که پیرامون منشأ آن بین مورخین اختلاف وجود دارد را به نظم درآورده و به نظر می‌رسد قدری باورهای خود را در آن دخیل کرده است چراکه در بسیاری از ابیات و تکه‌های داستان با نگاهی شگفت‌مندانه و قاضی مأبانه روبه‌رو هستیم. در اینجا ما با روش نشانه‌شناسی و با استفاده از نظریه رمزگان دانیل چندلر به دنبال بررسی مفهوم عشق در قالب رمزگان‌های اجتماعی، ادراکی، تفسیری و متنی هستیم. این داستان سرشار از مفاهیم ناب عاشقانه بر مبنای رمزگان‌های یادشده و تجربیاتی جالب در قیاس با نظریات جدید است.

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی، عشق، رمزگان، ویس، رامین

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. sf58fard@gmail.com

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول).

basiavash@yahoo.com

hkhadivar@gmail.com

^۳ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

مقدمه

نخستین گام در نشانه‌شناسی پرهیز از کلی‌گویی و مشخص کردن روشی خاص یا بهره‌گیری از متفکر یا متفکرانی خاص است که این مسئله بسیار به کاربردی بودن تحلیل نشانه شناختی کمک شایان خواهد کرد؛ همچنین تحلیل درست و پرهیز از تحلیل‌های پیش‌پاافتاده و یا فروکاست نشانه‌شناسی به آرایه‌های ادبی است. امروزه می‌باید نشانه‌شناسی را بخشی بزرگ از علوم انسانی بدانیم و آن یک دانش بین‌رشته‌ای است و الگویی تمام‌عیار از علوم مختلف انسانی به‌ویژه فلسفه، علوم اجتماعی، روان‌شناسی، ادبیات و ... است؛ بنابراین می‌توان از رهگذر نشانه‌شناسی به تحلیل‌های عمیق‌تر آثار ادبی پرداخت؛ حتی تاریخ و فرهنگ یک جامعه یا ابعاد گفتمانی و حتی پارادایمیک مجموعه دیدگاه‌ها و نظریات درون متن را بر رسید. ویس و رامین نیز به خوبی نشانگر بسیاری از خصایص تاریخی و فرهنگی ایران‌زمین است که در خلال تحلیل اثر بدان اشاره خواهد شد.

مفهوم عشق از جمله مفاهیمی است که همواره در زندگی بشر نقشی بنیادین و پررنگ داشته است و تا حد زیادی بر معرفت بشر تأثیرگذار بوده است، به‌گونه‌ای که سراسر زندگی بشر عشق‌ورزی، عشق‌اندیشی و یا گله و شکایت از عشق است. علاوه بر این اغلب، عشق با مفاهیم ناب مذهبی و یا عرفانی گره‌خورده و خود تبدیل به‌گونه‌ای از اندیشه ورزی و هستی‌شناسی می‌شود. از این روی سخن از عشق زمینی و آسمانی به میان می‌آید و عشق، درگیر نوعی مفهوم ایدئولوژیک می‌شود. *مطالعات فرهنگی*

فرهنگ، جایگاه و خاستگاه واقعی عشق است و عشق از دل آن برمی‌خیزد؛ البته همین فرهنگ را به چالش کشیده و در معرض تفسیری دیگرگون قرار می‌دهد؛ اما به راستی از کجا می‌توان این تأثیر ژرف فرهنگی عشق را در پیشینه اقوام و ملل مختلف یافت؟ واقعیت این است که برای بشر امروزی که مفاهیم بنیادین فرهنگی خود را در معرض واکاوی و بازاندیشی قرار می‌دهد هیچ جایی بهتر از ادبیات و به ویژه شعر و آن‌هم آثار فاخر و ماندگار نیست. ادب غنایی پارسی سرشار از عشق‌پردازی است و این عشق‌پردازی چنان عمیق است که تا به امروز در فرهنگ ما ریشه دوانیده و بر زبان عارف و عامی جاری است؛ اما نکته جالب‌تر آن است که عشق مانند زندگی و هرآن چه در دنیای آدمی وجود دارد

سرشار از نشانه است و اساساً بدون درک و تفسیر این نشانه‌ها ما در بررسی و واکاوی مفهوم عشق سرگردان خواهیم بود. مفاهیم ناب از رهگذر نشانه‌ها و تفسیر آن‌ها و به‌طور خاص دانش نشانه‌شناسی قابل‌درک و تفسیر هستند و مفهوم عشق خود دنیایی از نشانه است.

ادبیات فارسی دنیایی از نشانه‌ها را با خود به همراه دارد. در اینجا ما شاهد فروکاست مفهوم عشق به برخی مسائل پیش‌پافتاده نخواهیم بود بلکه به دنبال واکاوی آن خواهیم رفت تا دقیقاً مفاهیم پس و پشت نشانه‌ها را بیرون آورده و تفسیر کنیم.

مسئله مهم در پس مفهوم عشق، خاصیت رمزگانی آن است که در قالب کلام به زبان می‌آید؛ اگرچه می‌توان همه مفاهیم را دربردارنده خاصیت رمزگانی دانست اما به‌واقع در مورد عشق، ماجرا قدری متفاوت است. عشق از ابتدا با خاصیت رمزگانی آغاز می‌شود و اغلب با پرده‌پوشی همراه است و در خلال عیان شدن نیز همین خاصیت به اشکال دیگری رخ می‌نماید؛ بدین معنا که متضمن رمزگان‌های متفاوت خواهد بود که ساده‌ترین آن خصوصیات بلاغی است آغاز می‌شود تا پیچیده‌ترین نوع آن‌که ناشی از ایدئولوژی و طرز تفکر در داخل یک گفتمان یا به‌طور اعم یک «پارادایم» است و وظیفه نشانه‌شناس رمزگشایی از این مفهوم خاص و ناب است؛ که با توجه به نظریه دانیل چندلر در این پژوهش سعی بر این است از اثر ارزشمند فخرالدین اسعد گرگانی رمزگشایی گردد.

ادبیات غنایی بیانگر عواطف و احساسات عمیق شخصی شاعر است و منظومه‌های غنایی بسیار در فرهنگ ما جاودانه شده‌اند. اساساً ادبیات غنایی تجلی‌گاه عشق و پردازش‌های عاشقانه هستند و بر کسی پوشیده نیست که عشق خواستگاه اصلی ادبیات غنایی است همین نسبت در آثاری مانند خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و بیژن و منیژه نیز وجود دارد. همچنین در ادبیات غنایی ما شاهد یک جنبه خاص عشق در شاعرانگی آن‌ها هستیم که شاعر تا جایی که می‌تواند به زبانی لطیف و بیانی آکنده از احساسات به توصیف مسائل عشقی می‌پردازد و از جنبه‌های حماسی یا مفاهیم دیگر کمی دور می‌شود یعنی به‌نوعی عشق برای عشق و این مقوله بسیار مهمی در ادب غنایی است

منظومه ویس و رامین از جمله آثار ماندگار و ارزشمند ادب فارسی است که فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم هجری سراینده آن است که آن نیز برگردان یک اثر از متن

پهلوی است. به‌طور خلاصه داستان ویس و رامین را می‌توان عشق متقابل شهوانی و افسار گسیخته دختری به نام ویس با برادر شاه موبد به نام رامین دانست؛ درحالی‌که ویس در عقد شاه موبد است و البته از این پیوند سخت ناراضی است. داستان ویس و رامین در منطقه گوراب که در جنوب همدان کنونی است اتفاق می‌افتد؛ و اغلب این ماجرا را مربوط به دوران اشکانی می‌دانند و شواهد و قراین چنین نشان می‌دهند.

پیشینه تحقیق

پژوهشی منسجم در حوزه نشانه‌شناسی ویس و رامین به دید نیامد مگر مواردی از این دست:

۱- امین بنی طالبی و مسعود فروزنده در مقاله «بررسی انواع تکرار و کارکردهای آن در ویس و رامین» به‌نقد زیبایی‌شناختی آرایه تکرار در منظومه ویس و رامین پرداخته‌اند. آن‌ها با روش توصیفی - تحلیلی گونه‌های مختلف تکرار و توازن در سطوح گوناگون آوایی، واژگانی و نحوی را در منظومه ویس و رامین مورد تحلیل قرار داده‌اند. در بخش نخست توازن آوایی با مقوله‌هایی نظیر توازن واجی و هجایی، در بخش دوم توازن واژگانی شامل انواع تکرار در سطوح مختلف واژه و در بخش سوم توازن نحوی با مقوله‌هایی همچون تکرار ساخت، هم‌نشین سازی نقشی و جانشین سازی نقشی تحلیل می‌شود و در پایان به بررسی کارکردهای تکرار در منظومه ویس و رامین پرداخته‌اند. (ر.ک: بنی طالبی ۱۳۹۶ ص ۴۸-۳۰)

علیرضا تقوی کوتنایی در مقاله «شناخت عنصر حقیقت ماندی در داستان ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی» به بحث میزان انطباق اثر با عنصر حقیقت می‌پردازد او معتقد است در ادبیات کهن همیشه عناصر حقیقت ماندی کمتر به چشم می‌آید اما در مورد ویس و رامین این ماجرا صادق نیست بلکه خواننده آن را دور از ذهن نمی‌پندارد. او معتقد است در ویس و رامین هیچ‌گاه واقعه‌ای استثنایی رخ نمی‌دهد تا بر اساس آن حقیقت ماندی داستان متزلزل شود چراکه به نظر می‌رسد این داستان، داستانی واقع‌گرا با انسان‌های معمولی و حوادثی طبیعی است و خواننده بدون آن‌که از مسیر نادرست داستان احساس ناراحتی کند و یا مطلبی را غریب و دور از ذهن و غیرمنطقی یابد به دنبال داستان‌سرا کشیده می‌شود. (ر.ک:

تقوی کوتنایی ۱۳۹۶ ص ۵۶-۴۰)

علی عشقی سردهی و همکاران در مقاله «نقد شخصیت ویس از منظر عاطفی» به بعد امنیت روانی ویس در ماجرای عاشقانه‌اش با رامین می‌پردازند آن‌ها معتقدند اگرچه در این اثر نیز با ناز زن و نیاز مرد روبه‌رو هستیم اما ویس یک شخصیت دارای امنیت عاطفی است و از صلابت عاطفی برخوردار است او در مقابل کسی که دوستش نمی‌دارد یعنی موبد شاه سراسر کینه و نفرت و خشم است اما در مقابل رامین سرشار از عشق و عاطفه و امنیت عاطفی است حتی پس از آن‌که رامین به ویس خیانت می‌کند بازهم او را کنار نمی‌گذارد و همچنان از بعد عاطفی خوش‌رویی می‌نماید. (ر.ک: عشقی سردهی ۱۳۹۴ ص ۲۸-۱۰)

روش تحقیق

پیش از هر نکته‌ای لازم به ذکر است که در این پژوهش نشانه‌شناسی به نوعی هم به مثابه‌ی زوش است و هم نظریه، از این جهت که نشانه‌شناسی پیش از هرچیزی روشی ژرف در ادبیات و علوم انسانی است و این بدان معناست که پژوهشگر می‌باید با درک و دریافت اصول روش شناختی روش نشانه‌شناسی به پژوهش و تجزیه و تحلیل متن بپردازد؛ بنابراین روش کار و اشکافی نشانه‌های مربوط به عشق در قالب خصایص فرهنگی دوران‌های پیش از اسلام و دوران سرودن اثر است و البته این منظور میسر نمی‌شود جز با مطالعه‌ی دقیق اثر و هم‌سنگ نمودن آن با نظریه و در این راستا می‌باید گفت که روش کار بر اساس فیش برداری و مطالعه‌ی اسنادی است و سپس مقوله‌بندی و پردازش متن در قالب تفاسیر مفهومی و رمزگانی.

مبانی تحقیق

مهم‌ترین مبانی این پژوهش مفاهیم نشانه‌شناسی و عشق است که در ذیل به تشریح آن خواهیم پرداخت و در ادامه چارچوب نظری تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان این بخش به ارتباط ادبیات غنایی با نشانه‌شناسی خواهیم پرداخت.

نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی علمی است که هدف خود را شناخت و تحلیل نشانه‌ها و نمادها چه آنها که

به صورت زبان گفتاری یا نوشتاری در آمده‌اند و چه آنهایی که صورت‌های غیر زبانی دارند، اعم از نشانه‌های فیزیولوژیک، بیولوژیک، نظام‌های معنایی، نظام‌های ارزشی، نمادهای نمادین، جهان بینی‌های گوناگون و حتی همه اشکال حرکتی، حالتی، موقعیتی خودآگاه یا ناخودآگاه، تاکتیکی، استراتژیک، فکر شده یا نشده و ... اعلام می‌کند. «نشانه‌شناسی علمی است با یافته‌ها و نظریه‌های خاص خود و هم تکنیکی است برای مطالعه هر چیزی که نشانه‌ها تولید می‌کنند» (سیبیاک: ۱۳۹۱: ۳۰).

فردیناندوسوسور نشانه را صورتی تعریف کرد که متشکل است از ۱) چیزی مثل صداها، حروف و ژست و حرکات بدنی و مانند آن‌که او آن را دال نامید و ۲) تصویر یا مفهومی که دال به آن اشاره دارد که آن را مدلول و رابطه بین این دو را دلالت نامید. سوسور رابطه بین دال و مدلول را اختیاری می‌داند که انسان‌ها یا جوامع انسانی آن را به اراده خود بنانده‌اند. (ر.ک: همان، ۳۱)

عشق

بی‌گمان عشق یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که همواره اندیشه بشر را به کاوش پیرامون خویش و داشته است. تاریخ زندگی بشر سرشار از عشق و رزی‌ها، عشق اندیشی‌ها و عشق گویی‌ها و عشق نامه‌هایی است که در جلوه‌های مختلفی پدیدار شده است؛ گاه عشق به همجنس، غیرهمجنس و گاه تفسیرهای ایدئولوژیک از عشق که با مفاهیم ناب مذهبی، عرفانی و سنتی در می‌آمیزد؛ اما رایج‌ترین معنای عشق، عشق انسان به انسان و شکل پذیرفته‌تر آن یعنی عشق به غیرهمجنس است این مسأله تنها در نگاه انسان‌های عادی هم روزگار ما نیست بلکه بسیاری از جامعه‌شناسان نیز به دنبال ارائه عشق واقعی و الگوی زندگی سالم عاشقانه هستند که از آن جمله می‌توان به آنتونی گیدنز اشاره کرد. او با تمیز نهادن میان رابطه ناب و رابطه اعتیادآور عملاً نمونه‌ای ذهنی از عشق آرمانی را عرضه می‌کند که می‌تواند راهگشا به یک زندگی زیبا و سعادت‌مند شود و انسانها را در پناه هم و آزادانه در کنار هم بنشانند (Giddens, 1992, 94)؛ زیگمونت باومن در کتاب عشق سیال از قمار عشق سخن می‌گوید و به دنبال گزارش و درک ناپایداری‌های بسیار پیوندهای انسانی و احساس ناامنی‌های ناشی

از این ناپایداری‌هاست (ر.ک: باومن، ۱۳۸۴، ۱۰)

رمزگان

یک رمز مجموعه‌ای از فرایندهاست که کاربران رسانه با آن مانوس هستند، «رمزگان چار چوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند. در واقع نمی‌توان چیزی را که در قلمرو رمزگان نیست نشانه نامید. به علاوه اگر رابطه میان دال و مدلول را اختیاری فرض کنیم، آن گاه روشن است که تفسیر معانی مرسوم نشانه‌ها مستلزم آشنایی با مجموعه‌های مناسبی از قراردادها می‌باشد.

رمزگان، نشانه‌ها را به نظام‌های معنادر تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌گردد.» (چندلر ۱۳۸۷: ۲۲۱). چندلر انواع رمزگان را به پنج دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از:

۱- رمزگان اجتماعی ۲- رمزگان متنی ۳- رمزگان تفسیری ۴- رمزگان ادراکی ۵- رمزگان واقع‌گرای (ر.ک: همان ۲۲۹-۲۲۴)

ویس و رامین

منظومه ویس و رامین از جمله آثار ماندگار و ارزشمند ادب فارسی است که توسط فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم هجری سروده شده است که البته برگردان یک اثر از متن پهلوی است. به طور خلاصه داستان ویس و رامین را می‌توان عشق متقابل شهوانی و افسارگسیخته دختری به نام ویس با برادر شاه موید به نام رامین در حالی که ویس در عقد شاه موید است دانست و البته سخت از این پیوند ناراضی است. داستان ویس و رامین در منطقه گوراب که در جنوب همدان کنونی است اتفاق می‌افتد و اغلب این ماجرا را مربوط به دوران اشکانی می‌دانند و شواهد و قراین چنین نشان می‌دهند. نکته قابل توجه در داستان ویس و رامین عشق میان زن متاهل و مردی غیر از همسر اوست و از دیگر سو این عشق هم کامیاب هست و به نوعی این منظومه غنایی فقط خروج از نرم عادی زبان نیست بلکه خروج از نرم فرهنگ و کلیه ارزش‌ها و هنجارهایی است که تقریباً در میان همه جوامع پذیرفته شده است.

چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریهٔ رمزگان چندلر

اگرچه نشانه‌شناسی به مفهوم مدرن آن از دیرینگی چندانی برخوردار نیست اما درگذر تاریخ همواره در دستگاه فکری صاحبان اندیشه نوعی نشانه‌شناسی وجود دارد و این از خصایص اندیشه‌ورزی عمیق است؛ مانند اشعار مولانا و یا منظومهٔ ویس و رامین که سرشار از عناصر نشانه‌شناختی و گاه حتی نشانه‌شناسی ناخودآگاه از سوی شاعر است؛ اما واقعیت این است که نشانه‌شناسی یک علم مدرن است که هم به عنوان نظریه و تئوری و هم به عنوان روش و متد از آن استفاده می‌شود و آغازگر این علم بدون شک فردیناندو سوسور است. (۱۹۱۳) همچنین دیگر چهرهٔ شاخص دانش نشانه‌شناسی به لحاظ اساس و بنیاد آن بدون شک چارلز ساندرز پیرس فیلسوف امریکایی هم‌دورهٔ دوسوسور است و سپس شاهد اوج‌گیری نظریات افرادی مانند رولان بارت، اومبرتو اکو، ژولیا کریستوا، لویی یلمزلف و بالاخره افکار برجسته و نوین دانیل چندلر هستیم که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۴ مطرح شد و همچنان بسیار زنده است. در اینجا علاوه بر نظریات آغازین نشانه‌شناسی و مفاهیم بنیادین آن و نیز دیدگاه چندلر به معرفی دو نظریه زنده و جالب‌توجه در حوزهٔ عشق می‌پردازیم.

افکار چندلر برای نخستین بار در دههٔ آخر قرن نوزدهم میلادی؛ سال (۱۹۹۴) مطرح گردید. چندلر خود را نشانه‌شناسی موجزگو و دقیق می‌داند و از آثار پیشین به دلیل مغلق‌گویی خرده می‌گیرد (ر.ک: چندلر، ۱۳۸۷: ۱۵) چندلر معتقد است: «نشانه‌ها معمولاً به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، بوها، طعم‌ها، حرکات و اشیاء ظاهر می‌شوند اما این چیزها ذاتاً معنی‌دار نیستند و فقط زمانی که معنایی به آواها منصوب کنیم تبدیل به نشانه می‌شوند.» (چندلر، ۱۳۸۷: ۴۱)

چندلر به‌خوبی به اهمیت انتزاع در نظام زبانی اشاره می‌کند و معتقد است که زبان را نمی‌توان به نام‌گذاری اشیاء محدود کرد: «در محدودهٔ فرهنگ لغات یک زبان این درست است که بیشتر کلمات واژه‌های لغت‌نامه‌ای یا همان اسم‌ها هستند که بر چیزها دلالت دارند اما باید به این نکته توجه کرد که بیشتر این چیزها مفاهیم انتزاعی هستند نه اشیاء فیزیکی جهان» (ر.ک: همان، ۹۴)

اگرچه چندلر به خوبی خصایص نشانه شناختی نشانه شناسان پیش از خود را تبیین می‌کند و حتی مسائل بلاغی تا سطح مجازها را بدون توضیح نمی‌گذارد؛ اما در این پژوهش هدف بهره‌گیری از نظریه «رمزگان» چندلر است.

دانیل چندلر در باب اهمیت رمزگان می‌گوید: «رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند. در واقع نمی‌توان چیزی را که در قلمرو رمزگان نیست نشانه نامید. به علاوه اگر رابطه میان دال و مدلول را اختیاری فرض کنیم، آنگاه روشن است که تفسیر معانی مرسوم نشانه‌ها مستلزم آشنایی با مجموعه مناسبی از قراردادهای می‌باشد. رمزگان نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌گردد. قراردادهای رمزگان نشانگر بعدی اجتماعی در نشانه‌شناسی هستند: یک رمز مجموعه‌ای از فرآیند هاست که کاربران رسانه (که در یک چارچوب فرهنگی عمل می‌کنند) با آن مأنوس‌اند... فهم رمزگان، روابط میان آن‌ها و بافتی که به آن تعلق دارند باعث می‌شود که تبدیل به عضو یک فرهنگ خاص شویم.» (ر.ک: همان، ۲-۲۲۱)

دانیل چندلر در کتاب نشانه‌شناسی به تقسیم‌بندی انواع رمزگان می‌پردازد:

۱- رمزگان اجتماعی شامل زبان گفتاری (رمزگان آواشناختی، نحوی، واژگانی، عروضی و فرائی زبانی)، رمزگان بدنی (تماس بدنی، مجاورت، جهت فیزیکی، ظاهر، حالات چهره، نگاه، حرکات سر و ادا و اطوار)، رمزگان مربوط به کالا (مد، لباس، ماشین) رمزگان رفتاری (آداب و رسوم، تشریفات، ایفای نقش، بازی‌ها). تمایزهای اجتماعی در یک فرهنگ توسط رمزگان اجتماعی تعیین می‌شوند. (ر.ک: چندلر، ۲۲۳)

۲- رمزگان متنی شامل رمزگان علمی مانند ریاضیات، رمزگان زیبایی‌شناختی، رمزگان ژانری، بلاغی و سبکی و رمزگان رسانه‌های ارتباط جمعی. (ر.ک: همان، ۲۲۴)

۳- رمزگان تفسیری شامل رمزگان ادراکی، رمزگان ایدئولوژیک. (ر.ک: همان، ۲۲۴)

۴- رمزگان ادراکی شامل ادراک بصری و دریافت ما از جهان. (ر.ک: همان، ۲۲۵)

۵- رمزگان واقع‌گرایی: در اینجا می‌توان صرفاً نشانه‌ها را نمود بازنمایی ندانست بلکه گاهی آن‌ها دربردارنده واقعیت صرف هستند. در واقع در این رمزگان استدلال بر مأنوس بودن نشانه‌ها و پدیده‌هاست. (ر.ک: همان، ۲۲۵)

طبیعتاً موضوع مورد بررسی در این پژوهش مفهوم عشق است و در واقع این مفهوم بر اساس رمزگان‌های یادشده مورد واکاوی قرار خواهد گرفت و دیدگاه چندلر چارچوب اصلی نظری این پژوهش است.

ارتباط ادبیات غنایی با نشانه‌شناسی

اساساً غنا را با آواز خوش و بعد موسیقایی می‌شناسند که همین امر خود یک امر نشانه‌شناختی عمیق است. ادبیات غنایی دربردارنده عواطف و احساسات نویسنده است و قاعدتاً عشق و احساس را در قالب کلمات بیان می‌کند که همین امر یک رمزگان درونی عمیق است و مهم‌تر آن‌که ادبیات غنایی خواستگاه ویژه فرهنگ است و آیینۀ تمام‌نمای زندگی در یک جامعه و در دل یک فرهنگ که این امر هر چه بیشتر به اهمیت نشانه‌شناختی ادب غنایی اشاره دارد. نشانه‌شناسی ادب غنایی مرزهای ذهن شاعر و فرهنگ اجتماعی و نحوه اجتماعی شدن و درونی شدن ارزش‌های جامعه هم‌دوره او و نیز دوره‌ای که روایت‌گر آن است را درمی‌نوردد و به‌خوبی به‌سان یک «کشف‌المحجوب» همه مسائل عمیق را آشکار می‌سازد بنابراین ادب غنایی انتخابی درست و ویژه برای مطالعات نشانه‌شناختی است.

بحث

کتاب ویس و رامین بازگویی و بازسازی یک داستان از دوره پیش از اسلام است؛ بنابراین قدری دگرگونی در آن طبیعی می‌نماید. در این کتاب سخن از عشق‌های ممنوعه و توصیف آن‌هاست. این منظومه در بحر هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) سروده شده که وزنی پرشور و آهنگین است.

در این اثر از ابعاد مختلف به خدعه‌ها و نیرنگ‌های فراوان از سوی شخصیت‌های داستان برمی‌خوریم و البته این نیرنگ‌ها چندان مذموم شمرده نمی‌شوند؛ اما نکته جالب سرانجام یافتن عشقی ممنوعه است. بدین‌صورت که ویس که بر برادرشور خود رامین عاشق است و البته این عشق متقابل است که درنهایت نصیب رامین می‌شود و همسر شرعی و قانونی او از دنیا می‌رود و آن‌ها به کام می‌رسند. از سوی دیگر انتخاب نام موبد برای شاهنشاهی که طماع و زنباره است و درنهایت ناموس او به تاراج می‌رود خود نکته جالبی است. چراکه

موبد یک مقام مذهبی زرتشتی است و در اینجا موبد شاه اصلاً نه چهره مثبتی دارد و نه عاقبت نیکویی، بنابراین در آغاز می توان گفت شاهد نوعی تعارض فرهنگی - مذهبی از سوی راوی داستان با فرهنگ ایران باستان هستیم. در اینجا بر اساس هر یک از رمزگان های یادشده، منظومه ویس و رامین بررسی می گردد:

الف) رمزگان اجتماعی

بعد اصلی رمزگان اجتماعی، خصایص اجتماعی و فرهنگی به ویژه آداب و رسوم و باورهای اجتماعی است و طبیعتاً مهم ترین بخش از تحلیل نشانه شناختی است. در سراسر اثر ما با خصایص مختلف بعد رمزگان اجتماعی روبه رو هستیم و در اینجا به اختصار به تشریح این رمزگان با آوردن شواهد و نمونه ها می پردازیم. داستان ویس و رامین نظام چند همسری و تنوع طلبی است که یک مسئله پذیرفته فرهنگی در این اثر است:

پری رویان گیتی هامواره	شده بر بزمگاه او نظاره
چو شهر و ماه دخت از ماه آباد	چو آذربادگانی سرو آزاد
ز گرگان آبنوش ماه پیکر	هم ایدون از دهستان ناز دلبر
ز اصفاهان دو بت چون ماه و خورشید	خجسته آب ناز و آب ناهید
به گوهر هر دوان دخت دبیران	گلاب و یاسمن دخت وزیران...
هم ایدون ناز و آذرگون گلگون	به رخ چون برف و بر وی ریخته خون...
بتان چین و ترک و روم و بربر	بنفشه روی و گل روی و سمن بر...

(گرگانی: ۱۳۸۹: ۴۴)

از بابت رمزگان اجتماعی، بعد فرهنگی ماجرا دقیقه مهمی است که در این ماجرا موضوع چند همسری به صورت مؤلفه فرهنگی برجستگی دارد و نشان از نوعی افتخار بزرگی است که آن به معنای پذیرفتن نظام چند همسری است. از سویی تنوع طلبی برخلاف فرهنگ امروزی بشر نه تنها بد نیست بلکه از لوازم بزرگی کردن است. از سوی دیگر تصاحب دختر دبیران و وزیران که در واقع صاحب منصبان حکومت هستند نوعی افتخار است و این نوعی

اشراف سالاری را متذکر می‌شود اما تنوع طلبی آن قدر مهم و ارزشمند است که حتی شاعر دختران اقوام بربر (وحشی) را سمن بر توصیف می‌کند. موبد شاه اگرچه خود را شاه جهان می‌داند اما برای شهر و به شدت تواضع به خرج می‌دهد و می‌گوید که زندگی من بی تو رونقی ندارد. در اینجا شاعر با استفاده از تقابل دوگانه؛ از یک سو بزرگی و جاه و از سوی دیگر افتادگی به درگاه معشوق را به شکل هنجار و ارزش نشان می‌دهد:

همیشه پیش تو باشم به فرمان
چو پیش من به فرمان است کیهان
به کام تو زیم با تو همه سال
ببخشایم به تو جان و دل و مال
تن و جان در رهت قربان کنم من
هر آن چیزی که گویی آن کنم من
(گرگانی: ۱۳۸۹: ۴۵)

چون موبد شاه از کامیابی از شهر و (زنی که بر او عاشق شده است) ناامید می‌شود از او یک دختر می‌خواهد نکته جالب این است که شهر و دارای همسر است اما شاه از عشق ورزی و طلب او ابایی ندارد. در اینجا می‌توان گفت روح داستان با قواعد اجتماعی زمان ناساز است و از طرفی موبد شاه را شخصیتی شهوانی توصیف می‌کند که قواعد و ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌گذارد و از سوی دیگر قواعد جالب تری به میان می‌آید و آن این است که دو شخص بالغ برای نوزادی که هنوز زاده نشده است قراردادی می‌بندند؛ بدین کیفیت که شهر و دختری بزاید و آن را به موبد شاه به عقد شاه درآورد. در واقع این مسئله نیز یک رمزگان اجتماعی ناب است که در آن بزرگان بر اولاد خویش چنان ولایت دارند که پیش از زاده شدن او را به نکاح دیگری درمی‌آورند حتی پیش از آن که نطفه او منعقد شود. ماجرای دیگر نوعی محور جانشینی جنسیتی است بدین سان که شهر و اگرچه مادر طفل نازاده است اما بر او ولایت کامل دارد. شاعر در هر صورت شهر و را زنی زیبا و درعین حال نابهنجار مورد توصیف قرار می‌دهد.

کنون گر تو نباشی جفت و یارم
نیارایی به شادی روزگارم
ز تخم خویش یک دختر به من ده
به کام دل صنوبر با سمن ده
کجا چون تخم باشد بی گمان بر
بود دخت تو مثل تو سمن بر...
(همان: ۴۶)

و شهرو می گوید:

به جان تو که من دختر ندارم
و گر دارم چگونه پیش نارم
نزام تاکنون دختر و زین پس
اگر زایم تویی داماد من بس
(همان: ۴۶)

و خود شاعر می گوید:

نگر تا در چه سختی اوفتادند
که نازاده عروسی را بدادند
(ر.ک: همان: ۴۷)

در ادامه پس از زاده شدن ویس و بالغ شدن او شهرو مادر ویس از او می خواهد که به عقد برادر خویش یعنی «ویرو» درآید. در اینجا نیز شاعر به دنبال آن است که رسوم ایران باستان را بازنمایی کند که در آن ازدواج با محارم امری نیکو بوده است و این خود یک رمزگان اجتماعی در دل اثر است که شاعر نیت مندانه به دنبال بازنمایی آن است:

چو در گیتی ترا همسر ندانم
به ناهمسرت دادن چون توانم
در ایران نیست جفتی با تو همسر
مگر ویرو که هستت خود برادر
تو او جفت باش و دوده بفروز
وزین پیوند فرخ کن مرا روز
(همان، ۵۲)

شاعر در بخشی دیگر وارد قضاوت های جنسیتی می شود و زن را به نوعی ساده لوح و احساسی می خواند و این نوعی باور اجتماعی در ایران و البته فرهنگ حاکم بر دوره فخرالدین اسعد گرگانی است؛ چراکه پیش از اسلام زنان به پادشاهی هم رسیده بودند اما در حال حاضر که این شعر سروده می شود فرهنگ اسلامی حاکم است:

زنان نازک دل اند و سست رایند
به هر خو چون براری شان برآیند
زنان گفتار مردان راست دارند
به گفت خوش تن ایشان سپارند
زن ار چه زیرک و هشیار باشد
زبون مرد خوش گفتار باشد
(همان، ۵۵)

و باز مفهوم «عاشق زار» که در فرهنگ ما به وفور یافت می شود اساساً عشق را به مثابه

یک درد و یک نوع رازواری پنداری در عشق برآیندی از خصایص اجتماعی و فرهنگی ماست که در این اثر نیز شاعر بدان اشاره دارد:

ز عاشق زارتر زاری نباشد
ز کار او بتر کاری نباشد
دل عاشق در آتش سال تا سال
نپرسد ایچ کس وی را از آن حال
سزد گر دل بر آن مردم بسوزد
که عشق اندر دلش آتش فروزد
(همان: ۸۳)

پس از آن‌که رامین برادر شاه و ویس همسر شاه بر هم عاشق می‌شوند غرق در عیش و خوشی هستند، موبد شاه در نزد مادر خود لب به گلایه می‌گشاید و به نوعی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی متداول را یادآور می‌شود که عبارت از وفاداری و تک‌همسری برای زنان است. در اینجا شاعر با نشان دادن تناقض و تخطی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را یادآور می‌شود:

که رامین با زخم جوید تباهی
کند بدنام بر من گاه شاهی
یکی زن چون بود با دو برادر
چه باشد در جهان زین ننگ بدتر
(همان، ۱۴۵)

ب) رمزگان ادراکی

رمزگان ادراکی چنان‌که از نامش پیداست مربوط به حوزه ادراک و به‌ویژه درک بصری از اثر است که در اینجا به نمونه‌هایی بارز از این رمزگان اشاره می‌شود. شاعر پیرامون زاده شدن ویس او را مانند مروارید می‌داند و دست به توصیفات بصری می‌زند و تأکید دارد که دیده همگان بر او خیره مانده است. او به نوعی ادراک بصری مردم و بینندگان ویس را مورد توصیف قرار می‌دهد و آنان را مات و متحیر می‌داند:

یکی لوء لوء که چون نه مه برآمد
از او تابنده ماهی دیگر آمد
نه ماهی بود گفتمی مشرقی بود
کزو خورشید تابان روی بنمود
یکی دخترکه چون آمد ز مادر
شب دیجور را بزود چون خور
که و مه را سخن‌ها بود یکسان
که یا رب صورتی باشد بدین سان

همه در روی او خیره بماندند

به نام او را خجسته ویس خواندند

(همان، ۴۷)

در صحنه دیگر در وصف ویس، صورت ویس را به شکل منظومه‌های فلکی تصویر می‌کند و به نوعی آراستن ویس را مانند آراستگی منظومه‌های فلکی از سوی خداوند مانند می‌کند؛ و از سویی با استفاده از شیوه تقابلی، منظومه‌های فلکی وارد یک سیستم تقابل تکمیلی چندتایی می‌شود:

چو دایه ماه خوبان را بیاراست	بنفشه بر گل خیری بیاراست
ز پیشانیش تابان تیر و ناهید	ز رخسارش فروزان ماه و خورشید
چو بهرام ستمگر چشم جادوش	چو کیوان بدآیین زلف هندوش
لبان چون مشتری فرخنده کردار	همه‌ساله شکر بار و گهربار

(همان، ۹۰)

شاعر همچنین به توصیف زیبایی رامین می‌پردازد او را مجموعه‌ای از لطافت و مردانگی توصیف می‌کند در جایی از کلاه و پوشش او می‌گوید و در جایی لبانش را مانند انگبین می‌داند. او به نوعی با این تقابل به زیبایی دامن می‌زند که در نوع خود جالب است و تصویری زیبا در ادراک بصری مخاطب خلق می‌کند:

ز شادی خون ز رخسارش بجوشید	رخش گفتی ز لاله جامه پوشید
ز شرم دایه رویش گشت پرخوی	بسان در فشانده بر سر می
گل ار چه سخت نیکو بود و بر بار	رخ رامین نکوتر بود صدبار
هنوزش بود سیمین دو بناگوش	نگشته سیمش از سنبل سیه‌پوش
هنوزش بود پشت لب چو ملحم	لبش چون انگبین و باده در هم
به پیکر همچو ماه جانور بود	ولیکن با کلاه و با کمر بود
کلاه او را نکوتر بود بر سر	که شاهان جهان را بر سر افسر

(همان، ۹۶-۹۷)

ج) رمزگان تفسیری

رمزگان تفسیری ناظر به بعد تفسیری، تأویلی و یا ایدئولوژیک ماجراست و شاعر در این اثر

ایدئولوژی خاصی را دنبال می‌کند و آن پرداختن به عشق‌های نابهنجار است. این مقوله می‌تواند برآیندی از آسیب‌های اجتماعی و حوادث جاری باشد. چراکه جامعه در هر دوره‌ای با این نوع احساسات درگیر بوده و هست. همچنین میل ناخودآگاه انسان به در هم شکستن ساختارهای اخلاقی در حوزه‌های احساسی و عشق است و این مقوله همواره همراه بشر بوده است؛ اما در اینجا شاعر از عهد دیگری می‌گوید و در حال بازسازی یک رویداد است اما به زبان و بیان خود و مفهوم‌پردازی‌های خاص آن. طبیعتاً به مانند هر اثر دیگری در خلال موضوع به نکات اخلاقی، تفسیری و باورهای عمومی می‌پردازد و گاه منتقد آن‌ها می‌شود و گاهی از گریزناپذیری آن‌ها سخن می‌گوید.

خود شاعر در مورد این داستان وارد حوزه تفسیری می‌شود و معتقد است که این داستان عیب‌های زندگی را به خوانندگان نشان می‌دهد و در بیت بعدی دچار تقدیرگرایی می‌شود بدین معنا که اگرچه این جهان پر از عیب و ایراد است و خواندن این اثر آن‌ها را بازگو می‌نماید اما این تقدیر یزدان است. ایدئولوژی تقدیرگرایی همواره بخشی از نظام فکری بشر بوده است و نوعی رهایی از گزندهای زندگی اگرچه در اینجا با تقابل دوتایی اراده و تقدیر روبه‌رو می‌شویم اما شاعر ضمن انتقاد از وضعیت موجود در داستان جانب تقدیر را می‌گیرد:

قضا پرداخته بود از کار ایشان
نشته یک‌به‌یک کردار ایشان
قضای آسمان دیگر نگشتی
به زور و چاره زیشان برنگشتی
چو برخواند کسی این داستان را
بداند عیب‌های این جهان را
نباید سرزنش کردن بدیشان
که راه حکم یزدان بست نتوان
(همان، ۴۹)

در جایی دیگر شاعر به باورهای رایج پیرامون هم‌طرازی ستاره‌ها و ماه‌ها و ماه تولد افراد برای ازدواج بین دو فرد اشاره می‌کند که این رمزگان تفسیری تاکنون هم در میان مردم ادامه دارد. (به نوعی امروزه آن را خرافه می‌دانند). گرچه هنوز هم طرفدارانی دارد.

از طرفی شاعر از تقابل دی ماه که یک ماه سرد زمستانی است با بهار لطیف بهره می‌برد که عمیقاً تفسیری بوده و بر برخی باورهای دیرین مردمان این مرزوبوم صحنه می‌گذارد. تو دی ماهی و آن دلبر بهارست رسیدنتان به هم دشوار کار است (ر.ک: همان، ۷۳)

و در ذیل عنوان اندربستن دایه مرشاه موبد را بر ویس یکی دیگر از باورها و رسومات گذشته را یادآور می‌شود که مشتمل بر دو بحث است در مبحث اول: ویس می‌خواهد تا یک سال اجازه کامجویی به موبد شاه را از خود ندهد و مرگ پدرش (قارن) را بهانه می‌کند و این امر نیز جایگاه فرهنگی ویژه‌ای دارد که ایرانیان یک سال بر کسی سوگواری کنند؛ اما شیوه تفسیری ماجرا در اینجا آن است که برای ویس فقط یک دستاویز برای رها شدن از چنگال موبد شاه است و اما مبحث دوم حوزه معرفت‌شناسانه‌ای دارد که ویس از دایه خود می‌خواهد به مدت یک سال مردی موبد شاه را بر وی ببندد که این مسئله نیز دارای تفسیری رازورانه و فراطبیعی است چنانکه افراد خاصی با استفاده از نیروهای جادویی قادر به چنین کاری بوده‌اند. هم اکنون نیز در شیوه‌های افسونگری چنین باورهایی وجود دارد مانند بستن بخت و بستن مردانگی که در اینجا شاعر به این نوع باور و این نظام معرفت‌شناختی اشاره می‌کند:

که من یک سال نسپارم بدو تن	بپرهیزم ز پادافراه دشمن
نباشد سوگ قارن کم ز یک سال	مرا یک سال بینی هم بدین حال
ندارد موبدم یک سال آزم	کجا او را زمن نه بیم و نه شرم
یکی نیرنگ ساز از هوشمندی	مگر مردیش را بر من ببندی

(همان، ۹۲)

د) رمزگان متنی

چنان‌که گفته شد رمزگان متنی ناظر بر جنبه‌های هنری و بلاغی کار است. اگرچه این جنبه‌ها در سراسر این اثر به چشم می‌خورد و اثر بدین لحاظ غنی می‌نماید اما در اینجا آنچه واضح‌تر و در ارتباط با مفهوم عشق است به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در ذیل عنوان «خواستن موبد شهرو را و عهد بستن شهرو با موبد» شاعر در غایت هنرمندی نحوه دلبری کردن از زن «مسن» را نشان می‌دهد و به‌خوبی از تضاد جوانی و پیری استفاده کرده است و این اتفاق از زبان موبد شاه خطاب به شهرو مادر ویس صورت می‌پذیرد:

چو در پیری بدین‌سان دلستانی	چگونه بوده‌ای روز جوانی
-----------------------------	-------------------------

(همان، ۴۶)

دوباره از تقابل پیری و جوانی:

امید ویس عشقش را روان شد
هوای پیر در جانش جوان شد
(همان، ۷۳)

و یا توصیف ویس که دهان و دندان او را در هیأت لعل و مروارید می‌آورد و به دقت به
تعداد دندان‌ها هم اشاره می‌کند:

دهان چون غنچه گل ناشکفته
بسای سی‌ودو گوهر درفشان
بدو در سی‌ودو لولو نهفته
نهان در زیر دو لعل بدخشان
(همان، ۹۰)

و توصیف اغراق‌آمیز ویس که رخ خورشید و امداار طلعت ویس می‌شود:
چو دایه ویس را چونان بیاراست
که خورشید از رخ او نور می‌خواست
(همان، ۹۲)

در جای دیگر با استفاده از صناعات و ایهام تناسب نسبت ویس را با برادر خویش موبد
شاه به زیبایی به تصویر می‌کشد:
برادر بود موبد را و فرزند
ولیکن ماه را شاه و خداوند
(همان، ۹۷)

در جای دیگر با استفاده از تکرار در توصیف دل‌تنگی و دهان‌تنگی و کمر باریک ویس
و اینکه جهانی بر او دل‌تنگ است به خوبی از عهده کار برآمده است:
دلش تنگ و دهان‌تنگ و میان تنگ
ز دل‌تنگی شده بر وی جهان تنگ
(همان، ۱۲۱)

ه) رمزگان واقع‌گرایی

چنان‌که می‌دانیم میزان مدالیته یا واقع‌نمایی بیشتر در آثار سینمایی و به‌ویژه آثار مستند مورد
توجه است و اساساً در هنری مانند شعر میزان کمی از این نوع رمزگان وجود دارد به‌ویژه اگر
شعر همراه با توصیفات و اغراق‌ها باشد که خاصیت شعر نیز همین است؛ بنابراین نمی‌توان
این اثر را از این نظر مورد بررسی قرارداد مثلاً آدمی هرگز بوی سمن نمی‌دهد یا از
خورشید نورانی‌تر نیست و یا جهانی دل‌تنگ ویس نیست چراکه اساساً همه جهان نمی‌تواند
ویس را بشناسند و یا حضور وی را درک کرده باشند.

نتیجه گیری

چنانکه پیداست اثر ویس و رامین یک اثر عاشقانه است که البته به لحاظ مفهومی و روش شناختی خصایص خاص خود را دارد اما در این اثر عشق همواره سیال و جاری است و البته با تفسیری خاص. نخست آنکه این گونه پنداشته می شود که عشق بازی خاص طبقات ممتاز جامعه است و به نوعی اسباب بزرگی است تا جایی که این مسئله تا آخر عمر و آینده با آنها همراه است چنانکه موبد شاه از شهرو می خواهد که دختری برای آینده او بزاید اما درگیر نوعی تقابل در مفاهیم این اثر عشق پرداز هستیم بدین معنا که گاهی این عشق می باید در چارچوب هنجارهای برتر اشرافی مانند آنکه شهرو به ویس تأکید می کند که با برادرش ازدواج کند که خاص بزرگان آن هنگام است، ریخته می شود و گاه به نوعی آشفتگی هنجاری درمی آید مانند عشق ویس و رامین با آنکه ویس در عقد برادر رامین است و اساساً داستان این عشق زاینده یک آشفتگی هنجاری است که در رمزگان اجتماعی اثر کاملاً پیداست.

در این اثر علاوه بر این تقابل هنجاری با تقابل اراده گرایی و تقدیرگرایی نیز روبه رو هستیم که در بسیاری از نکات شاعر دست به دامن تقدیر می شود حال آنکه اساس این عشق بر اراده ای بزرگ استوار است که می خواهد تقدیر را در آن شکند و این مسئله نیز در رمزگانهای ادراکی و بصری بسیار نمایان است. و بالاخره آنکه مسئله دیگر آن است که این اثر غنایی بسیار اثری ارزشمند به لحاظ ادبی است و از جمله دستاویزهای شاعر برای تصویرپردازی و خروج از نرم عادی زبان استفاده از طبیعت و به ویژه آسمان است که خود مظهر سرنوشت است؛ اما به طور کلی باید این اثر را یک اثر اراده گرایانه و ساختارشکنانه دانست و البته به لحاظ ادبی بسیار ارجمند.

منابع

کتاب‌ها

۱. باومن، زیگمونت (۱۳۸۴) عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
۲. چندلر، دانیل (۱۳۸۷) مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
۳. سجودی، فرزانه (۱۳۸۷) نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر علم.
۴. سوسور، فردینان دو (۱۳۸۵) زبان‌شناسی عمومی، متن‌هایی از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم، ترجمه مهتاب بلوکی، تهران: نشر نی.
۵. سیبیک، تامس آلبرت (۱۳۹۱) درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه محسن نوبخت، تهران: انتشارات علمی.
۶. سیدمن، استیون (۱۳۸۶) کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۷. صفوی، کوروش (۱۳۸۳) درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۸. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
۹. کالر، جان‌اتان (۱۳۷۹) در جست‌وجوی نشانه‌ها، ترجمه لیلا صادقی و تینا امراللهی، تهران: نشر علم.
۱۰. گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۸۹) ویس و رامین، با مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: انتشارات صدای معاصر.
۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۱۲. هارلند، ریچارد (۱۳۷۹) ابر ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۳. هلدکرافت، دیوید (۱۳۹۱) سوسور: نشانه‌ها، نظام و اختیاری بودن، ترجمه سپیده عبدالکریمی، تهران: انتشارات علمی.

مقالات

۱۴. الکینز، جیمز (۱۳۸۵) نظریه نشانه‌شناسی پیرس برای تاریخ هنر چه سخنی دارد؟، مترجم فرزانه سجودی، مجله گلستان هنر، بهار، شماره ۳، صص ۱۸-۳۰
۱۵. بنی طالبی، امین و فروزنده، مسعود (۱۳۹۶) بررسی انواع تکرار و کارکردهای آن در ویس و رامین، مجله فنون ادبی، پاییز، شماره پیاپی ۲۰، صص ۲۷-۴۲.
۱۶. تقوی کوتنایی، علیرضا (۱۳۹۶) شناخت عنصر حقیقت ماندی در داستان ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی، بهار، شماره ۲۲، صص ۱-۱۲.
۱۷. عشقی سردهی، علی، احمدی، امیر و کیانی، ابوالقاسم (۱۳۹۴) نقد شخصیت ویس از منظر امنیت عاطفی، مجله مطالعات نقد ادبی، بهار، شماره ۳۸، صص ۲۸-۱۰.

منابع انگلیسی

18. Beilharz, p (2001) The Bauman Reader. Oxford Belackwell.
19. Beck, Ulrich and Beck Gernsheim.e(2002) Individualization, Institutionalized Individualism and its social and political consequences. London.sage
20. Gane,Nicholas(2006),Zygmunt Bauman: Liquid Modernity and beyond. Actasociologica vol44, Issu 3
21. Mythen,Gabe(2004) Ulrich Beck, acritical introduction to the risk society. London.pluto press.
22. Giddens,Anthony. (1992)The Transformatin of Intimacy: Sexuality, Love, and Eroticism in Modern societies. Stanford University Press.

The semiology of concept of love in Ways and Ramin poem based on Daniel Chandler theory

Saeedeh Faramarzi fard¹, Dr. Siavash Moradi², Dr. Hadi Khadivar³

Abstract

The book of "Vais and Ramin " is one the most famous persian romance by " Fakhreddin As'ade Gorgani ".The book narrates a forbidden love between " Vais and her husband's brother Ramin.Fakhreddin As'ade Gorgani had written an acient Pahlavei textual tale,which origin is in doubt among historians,in poetry.Obviously,he has been bring his attitude and viewpoint in it,because in some part of the story we encounter with a wondering views and judgement into the story.In this case,based on the semiology of Daniel Chandler and using his encoding we are seeking the semiology of the "Love" in the form of social,perceptual,interpertative and textual codes as well as,in order to achieve the best explanation of love the paper tries to use two post- modern works in the realm of love i.e the theory of " Zigmunt Bauman " and " Ulrich Beck".Based on the modern theories,the story has a lot of lovely cocepts.The story is full of lovely cocepts basd on mentioned encodings above and fantastic theories in comparision with the new ones.

Key words: Semiology,Love,Encodes,Vais,Ramin.

¹. PhD Student in Loss and Persian Literature, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.

². Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. (Responsible Author)

³. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.